

Curriculum Theology: Definitions and Typology

Morteza Noghrei*

Maqsoud Amin Khandaghi**

Abstract

Curriculum Theology is an emerging and relatively less known domain in the field of Curriculum Studies. The aim of this study is to provide a comprehensive definition of Curriculum Theology and to present a typology of it based on the current status and potential capacities of this domain. Therefore, in a spequulative study various types of Curriculum Theology were identified. Then, based on a comprehensive definition of Curriculum Theology as "The Theology of Curriculum Studies" and an Islamic perspective on the knowledge of Theology and Curriculum, an initial revision of the typology was made. The results indicate the possibility of envisioning a new domain called "Theology of Curriculum Studies" which not only takes on the theological mission of interpreting the current state and history of the Curriculum field but also contributes to the formation of Islamic Curriculum Knowledge through educational interpretation of Islamic Theology.

Keywords: Curriculum Theology, Additional Theology, Theological Knowledge.

* Ph.D. student of Curriculum studies, Department of Curriculum studies and and Instruction, Faculty of Education sciences and psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran,
morteza.noghrei@mail.um.ac.ir

** Professor of Curriculum studies and instruction Department, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad (Corresponding Author), aminkhandaghi@um.ac.ir

Date received: 30/01/2024, Date of acceptance: 28/03/2024



الاهیات برنامه درسی: تعاریف و گونه‌شناسی^۱

مرتضی نقره‌ای*

مقصود امین‌خندقی**

چکیده

الاهیات برنامه درسی یک قلمروی نوظهور و نه‌چندان شناخته‌شده در حوزه مطالعات برنامه درسی است. هدف این مطالعه ارائه تعریفی جامع از الاهیات برنامه درسی و عرضه گونه‌شناسی آن باتوجه به وضعیت موجود و ظرفیت‌های بالقوه این قلمروست. از این رو، گونه‌های مختلف الاهیات برنامه درسی شناسایی شد. سپس، براساس تعریفی جامع از الاهیات برنامه درسی و نگاهی اسلامی به دانش الاهیات و برنامه درسی، گونه‌شناسی اولیه اصلاح شد. نتایج بیان‌گر امکان تصور قلمرویی جدید تحت عنوان الاهیات مطالعات برنامه درسی است که هم رسالتی الاهیاتی برای تفسیر الاهیاتی وضع موجود و تاریخ رشته برنامه درسی را برعهده دارد، هم به کمک تفسیر تربیتی الاهیات اسلامی، به شکل‌گیری دانش برنامه درسی اسلامی کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها: الاهیات برنامه درسی، الاهیات مضاف، دانش الاهیاتی.

* دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش، دانشکده علوم تربیتی و

روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، Morteza.noghrei@gmail.com

** استاد، گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

(نویسنده مسئول)، aminkhandaghi@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۹



۱. مقدمه

حوزه مطالعات برنامه درسی یا curriculum studies یک حوزه مطالعاتی مستقل و نسبت به سایر شاخه‌های تعلیم و تربیت نوظهور است و عمر دانشگاهی آن حدوداً یک‌صد سال است. از این‌رو، کم‌تر شناخته شده است. اما در همین مدت جریان‌های فکری و مباحث متکثر و متنوعی را از سر گذرانده است؛ از پارادایم‌های مهم تحت عنوان سنت‌گرایی (traditionalism)، عملی (practical)، و نوفهمی (reconceptualism) گرفته (زرقانی و دیگران ۱۳۹۵) تا شکل‌گیری قلمروهای معرفتی مختلف ذیل این دانش نظیر نظریه برنامه درسی (curriculum theory)، مبانی برنامه درسی (curriculum foundation)، تاریخ برنامه درسی (curriculum history)، پژوهش برنامه درسی (curriculum inquiry)، و اجرای برنامه درسی (curriculum implementation) (Behar and Ornstein 1992). لذا لفظ برنامه درسی این‌جا به معنای دانش مطالعات برنامه درسی (curriculum studies as a knowledge) است و نه صرفاً مواردی نظیر محتوای کتاب درسی (textbook)، طرح درس (syllabus)، یا سند (document)، و نظایر این‌ها. هرچند تمام این موارد ذیل دانش مطالعات برنامه درسی و در قالب موضوعات و مباحث خرد و کلان مورد بحث قرار می‌گیرند. یکی از قلمروهای بسیار اساسی در حوزه معرفتی مطالعات برنامه درسی در غرب، الهیات برنامه درسی (curriculum theology) است که در آرای صاحب‌نظران این حوزه به‌انحای مختلف مفهوم‌پردازی و از منظرهای گوناگون صورت‌بندی شده است. قدر مشترک این مواضع، فارغ از عمق، گستره، و جهت‌گیری موضع الهیاتی آن‌ها، مطالعه الهیاتی (theological studying) برنامه درسی در حوزه مطالعات برنامه درسی است. بر این اساس، شاید بتوان الهیات برنامه درسی را گونه‌ای از الهیات مضاف (additionary theology) دانست که بسته به انواع برداشت‌های موجود و ممکن در متون حوزه مطالعات برنامه درسی از آن می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد. برخی از صورت‌بندی‌ها نگاهی به اندیشه‌های الهیاتی صاحب‌نظران حوزه مطالعات برنامه درسی در طول تاریخ پرفرازونشیب این رشته دارند (Block 2004; Kyser 2020; Morris 2020; Leopando 2017)؛ برخی در تلاش هستند تا تبیینی از حوزه مطالعات برنامه درسی براساس دیدگاه الهیاتی و پارادایمی خود درمورد برنامه درسی مطرح کنند (Whitlock 2019; Pinar 1995; Estep 2012)؛ گاهی به‌عنوان یک قلمروی معرفتی مستقل به آن نگاه می‌شود (Pinar 2007; Pinar 1995)، و گاهی به‌عنوان مبنای تغییر پارادایم مورد بحث قرار می‌گیرد (Pinar 2013). این تنوع صورت‌بندی و برداشت، که ناشی از تنوع فهم الهیات برنامه درسی است، درحالی است که اولاً تبیینی از «الهیات برنامه درسی» به‌صورت مطالعه‌ای مستقل انجام نشده و ثانیاً، گونه‌شناسی

الاهیات برنامه درسی: تعاریف و گونه‌شناسی (مرتضی نقره‌ای و مقصود امین خندقی) ۱۷۵

جامع و منتظمی نیز در پیشینه آن مشاهده نمی‌شود؛ چه در ادبیات غربی الاهیات برنامه درسی که رشدی روزافزون دارد و چه در ایران که این قلمرو تقریباً مغفول مانده است.

بر این اساس، پرسش اصلی این مطالعه را این گونه صورت‌بندی می‌کنیم: گونه‌شناسی جامع از الاهیات برنامه درسی کدام است و براساس گونه‌های موجود و ممکن چه تعریف شمول‌گرایانه‌ای می‌توان از الاهیات برنامه درسی عرضه کرد؟

امید است پاسخ به این پرسش، شناختی اجمالی از حدود و ثغور مباحث الاهیات برنامه درسی برای پژوهش‌گران و علاقه‌مندان این قلمرو فراهم سازد و فتح بابی برای پرسش و بحث درباره بنیان‌های الاهیاتی دانش مطالعات برنامه درسی باشد. بدین منظور دو گام اساسی برداشته خواهد شد:

از یک سو با درکی استقرایی گونه‌های موجود و از سوی دیگر با درکی قیاسی گونه‌های ممکن مفهوم‌سازی و در آن جایابی می‌شوند.

گام اول شامل ارائه گونه‌شناسی جامع از الاهیات برنامه درسی براساس برخی از مهم‌ترین آرای موجود در این قلمروست. این گونه‌شناسی براساس برخی از مهم‌ترین و روزآمدترین منابع مرتبط با الاهیات برنامه درسی ارائه خواهد شد. بدین منظور، مختصاتی برای این صورت‌بندی در نظر گرفته می‌شود که گونه‌شناسی موردنظر با قرارگرفتن شماتیک گونه‌ها درکنار یک‌دیگر، به‌منظور گویایی دسته‌بندی مذکور، ارائه خواهد شد.

در گام دوم، تلاش می‌شود تا تعریفی شمول‌گرایانه از الاهیات برنامه درسی ارائه و گونه‌شناسی مذکور در پرتو این تعریف اصلاح و تکمیل شود. در این جا هدف این است که الاهیات برنامه درسی به‌مثابه یک قلمروی مستقل جدید تحت عنوان «الاهیات مطالعات برنامه درسی» صورت‌بندی شود. گام نهایی به بحث و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۲. گونه‌شناسی الاهیات برنامه درسی

در این قسمت ابتدا مبنای گونه‌شناسی الاهیات برنامه درسی موردبحث قرار می‌گیرد که به صورت‌بندی قیاسی از این آثار کمک می‌کند. سپس، با این مبنا یک دسته‌بندی از برخی از مهم‌ترین آثار الاهیات برنامه درسی که با استقرا شناسایی شده‌اند، انجام خواهد شد. می‌توان گفت که براساس تعریف کلی از الاهیات برنامه درسی، این اولین گونه‌شناسی از الاهیات برنامه درسی است که در این مطالعه ارائه می‌گردد.

۱.۲ نگاه گذشته‌نگر و آینده‌نگر مبنایی برای گونه‌شناسی الاهیات برنامه درسی

مطالعه الاهیاتی برنامه درسی یعنی مطالعه الاهیاتی موضوعات و مباحث برنامه درسی در تمام سطوح و ابعاد یا به عبارتی، مطالعه الاهیاتی این رشته. آثار برجسته‌ای که به طرح پرسش‌ها و دغدغه‌های الاهیاتی پرداخته‌اند، ما را به یک تقسیم‌بندی دوگانه کلی رهنمون می‌سازند که گونه‌شناسی این مطالعه بر این دو نگاه کلی و گونه‌هایی که ذیل این دو تعریف می‌شوند استوار است. این دو نگاه کلی عبارت‌اند از: نگاه گذشته‌نگر (retrospective perspective) و نگاه آینده‌نگر (futuristic perspective).

نگاه گذشته‌نگر به برنامه درسی عمدتاً با نگاهی به گذشته به مباحث مرتبط با تولد و سیر تکوین موضوعات، مسائل، و اندیشه‌های الاهیاتی در حوزه مطالعات برنامه درسی می‌پردازد؛ به این معنا که مسئله‌اش «مطالعه اندیشه‌های الاهیاتی» یا «مطالعه تاریخ الاهیاتی» حوزه مطالعات برنامه درسی، به معنای فهم و مطالعه پیش‌فرض‌ها و انگاره‌های الاهیاتی پس‌پشت ایده‌های علمی و تحولات اجتماعی مربوط به این حوزه است.

درخصوص این نگاه گذشته‌نگر از ایده پروژه و مطالعه تز سکولاریزاسیون (secularization) بهره گرفته شد. پروژه و مطالعه تز سکولاریزاسیون شامل مباحث و گفت‌وگوهای مختلفی درباره خودآیین‌بودن و یا دگرآیین‌بودن مدرنیته است که کمک می‌کند نگاهی عمیق به الاهیات مضاف گذشته‌نگر داشته باشیم. اگرچه بخش زیادی از این پروژه آمیخته با مطالعات تاریخی است، اما پرسش اصلی آن الاهیاتی است و عمدتاً میان دو انگاره مشروعیت دوران مدرن و یا عدم مشروعیت آن بحث می‌شود. متفکران برجسته این حوزه افرادی نظیر هانس بلومبرگ، کارل لوویت، و کارل اشمیت هستند. مطالعات انجام‌شده ذیل پروژه تز سکولاریزاسیون را باید گروهی از تبیین‌های انتقادی صورت‌گرفته درباره نقد انگاره انفکاک دین و مدرنیته دانست. عموماً سکولاریسم با ترویج انگاره انفکاک دین و مدرنیته تمام آن‌چه در ساحت عصر مدرن رقم خورده را دستاورد این انفکاک معرفی می‌کند. اساساً می‌توان گفت «از نظر تاریخی، این دوگانگی به عنوان ابزاری مفهومی برای ایجاد تعریف مدرنیته و خودمختاری ادعایی آن ابداع شده است. حتی بسیاری از دین‌داران این مخالفت را به عنوان قرائت استاندارد تاریخ مدرنیته پذیرفتند» (هاشمی ۲۰۱۷: ۱). درمقابل این تلقی رایج از سکولاریسم، پروژه و مطالعه تز سکولاریزاسیون نقدی اساسی به این بنیان فکری است. در این زمینه دو دسته رأی کلی قابل‌بررسی است. دسته اول قائل به نوعی دگردیسی الاهیاتی، وابستگی سکولاریسم به الاهیات، و نامشروعیت مدرنیته است که افرادی نظیر مایکل آلن گیلسپی، فیلسوف معاصر

الاهیات برنامه درسی: تعاریف و گونه‌شناسی (مرتضی نقره‌ای و مقصود امین‌خندقی) ۱۷۷

آمریکایی که تبیینی از ریشه‌های الاهیاتی مدرنیته ارائه می‌دهد، جان میلبنک، نظریه‌پرداز اجتماعی و متأله کاتولیک که کل موجودیت نظریه اجتماعی «علمی» را از حیث نظری و تاریخی وابسته به الاهیات می‌داند (میلبنک ۱۳۹۶: ۴۹)، کارل لوویت، متفکر حوزه الاهیات تاریخ (لوویت ۱۳۹۹)، و اریک ووگلین (۱۳۹۹) و در ایران حسین کچویان (۱۳۹۹) در این دسته قرار دارند. فرد شاخص دسته دوم، هانس بلومبرگ، بر این باور است که پرسش‌های قرون وسطایی که پرسش‌هایی الاهیاتی بوده‌اند، در عصر مدرن با پاسخ‌هایی غیرالاهیاتی مواجه شده‌اند. لذا از نظر بلومبرگ، جای‌گزین شدن ایده توسعه، ترقی، یا پیشرفت به جای هزاره‌گرایی یا آخرت‌اندیشی مسیحی نه مبنایی برای نامشروعیت آن، بلکه نشانه تغییر مسیری آگاهانه است. در ایران افرادی نظیر سیدجواد طباطبایی طرف‌دار این تز به‌شمار می‌روند (طباطبایی ۱۳۹۳).

به‌هرحال، هر دوی این دسته نگاه‌ها در نوعی تقدم الاهیات بر سکولاریسم و عدم پذیرش قرائت رایج سکولار مشترک‌اند.

نگاه آینده‌نگر ناظر به دسته‌ای از مطالعات الاهیاتی در حوزه مطالعات برنامه درسی است که به‌دنبال فهم الاهیاتی مطالعات برنامه درسی به‌معنای تبیین منظرگاه الاهیاتی جدید (new theological landscape) هستند. نگاه آینده‌نگر مربوط به گرایش به الاهیات در دوره معاصر است که رویکردهایی جدید را موجب شده است؛ نظیر الاهیات رهایی‌بخش که با تفسیری الاهیاتی از مبارزه با سرمایه‌داری و امپریالیسم و نابرابری و فقر نوعی ترجمه ایمان به زیست عملی است (همتی ۱۳۹۳: ۱۲۹-۱۳۰) و یا الاهیات فمینیسم (موحد ۱۳۸۵) و یا الاهیات کوئیر (queer theology) (اسلامی راد و نرسیسیانس ۱۴۰۱: ۸۵) از این دست هستند.

در ادامه، نسبت میان الاهیات و برنامه درسی را درون این مختصات به‌دست‌آمده صورت‌بندی می‌کنیم.

اول) نگاه گذشته‌نگر: فهم ریشه‌های الاهیاتی مطالعات برنامه درسی

نگاه گذشته‌نگر به الاهیات مضاف به‌طور عام و به الاهیات برنامه درسی به‌طور خاص، دو برداشت را نسبت به فهم ریشه‌های الاهیاتی مطالعات برنامه درسی پیش‌رو قرار می‌دهد:

- برداشت اول: فهم اندیشه‌های الاهیاتی مطالعات برنامه درسی؛

- برداشت دوم: فهم تاریخ (تولد و تکوین) الاهیاتی مطالعات برنامه درسی.

تمایز برداشت اول و دوم در وسعت و کیفیت مطالعه درباره یک موضوع الاهیاتی است.

برداشت اول صرفاً مطالعاتی را که درمورد اندیشه‌های الاهیاتی انجام می‌شود در بر می‌گیرد، اما

برداشت دوم هم شامل مطالعات برداشت اول و هم شامل مطالعات مرتبط با سیر تحول و تطور الاهیاتی رشته می‌شود. از این رو، نه صرفاً متمرکز بر اندیشه‌ای الاهیاتی است، بلکه در این دست آثار شاهد فهم و روایت تحولات الاهیاتی در طول تاریخ رشته هستیم. در ادامه، به تفصیل به این دو برداشت به مثابه دو گونه مطالعه الاهیاتی ذیل نگاه گذشته‌نگر می‌پردازیم.

یک. فهم اندیشه‌های الاهیاتی مطالعات برنامه درسی

منظور از فهم اندیشه‌های الاهیاتی کنکاش و پی‌بردن به همان ریشه‌های الاهیاتی از طریق مطالعه اندیشه‌ها و نظریه‌های صاحب‌نظران قدیم یا معاصر حوزه مطالعات برنامه درسی است. مثلاً مارلا موریس در مطالعه خود تحت عنوان گذر شخصی در نقطه حساس: عمیقاً الاهیاتی در عصر کووید ۱۹، برای طرح ایده خود مروی بر اندیشه الاهیاتی صاحب‌نظر برجسته حوزه برنامه درسی و پدر جریان نوفهمی، دواین هیوینر، دارد. موریس نشان می‌دهد که هیوینر اولین کسی بود که تبیین الاهیاتی از برنامه درسی به مثابه تعامل و ارتباط میان معلم و دانش‌آموز ارائه کرد و آن را مبنایی برای خلق معنایی جدید از برنامه درسی قرار داد. موریس در این زمینه می‌گوید: منظور هیوینر [از این که می‌گوید مذهبی بودن یعنی در دنیا با دیگران بودن با خدا] این است که تفکر به شیوه‌ای عمیقاً الاهیاتی تر به معنای حضور امر مقدس در هر روز، با دیگران و در رابطه با دیگران است. از نظر هیوینر، ارتباط برقرار کردن کلیدی برای داشتن زندگی الاهیاتی عمیق‌تر است (Morris 2020: 3).

درواقع، در این جا موریس تلاش می‌کند گذر شخصی را از طریق بازنمایی اندیشه الاهیاتی هیوینر، به عنوان یک تبیین الاهیاتی مهم از گذر شخصی مطرح کند؛ گذر شخصی‌ای که قرارگرفتن در آن وابسته به یک ارتباط مستمر تعاملی است و این ارتباط است که گذر شخصی را به مثابه یک درک الاهیاتی رقم می‌زند. در این جا فهم نگاه هیوینر، به معنای فهم یک اندیشه الاهیاتی است.

در مثالی دیگر، کریلو و بوید (Kirylo and Boyd 2017) به فهم اندیشه‌های الاهیاتی فریره می‌پردازند. آن‌ها با کنکاش و تحلیل زمینه زندگی‌نامه‌ای، اندیشه‌ها، و فعالیت‌های عملی پائولو فریره در پیوند با بستر تاریخی و اجتماعی جامعه او، بسیاری از جنبه‌های آشکار و پنهان الاهیاتی اندیشه او را بازنمایی می‌کنند؛ از جمله پیوند اندیشه پداگوژیکال فریره با الاهی‌دان‌های کاتولیک آمریکای لاتین. کریلو و بوید در مورد این خدای رهایی‌بخش می‌نویسند:

الاهیات برنامه درسی: تعاریف و گونه‌شناسی (مرتضی نقره‌ای و مقصود امین‌خندقی) ۱۷۹

فریره به‌ندرت از خدا جدا از رابطه خدا با اشخاص در متن تاریخ صحبت می‌کرد. او خدا را «حضور در تاریخ» می‌دانست، اما معتقد بود که این انسان‌ها هستند، نه خدا که در شرایط جامعه تغییراتی ایجاد می‌کنند. او معتقد بود که مردم باید برای تغییر شرایط خود تلاش کنند و نمی‌توانند به‌سادگی منتظر خدا باشند تا افراد یا شرایط آن‌ها را تغییر دهد. نقش خداوند شامل ارائه دیدگاهی از کامل‌بودن انسان و عدالت اجتماعی بود (ibid.: 6-7).

کریلو و بوید تلاش می‌کنند تا نشان دهند چگونه نگاه اجتماعی فریره با نگاه الاهیاتی و پداگوژیکال او پیوند می‌خورد. بر این اساس، می‌توان گفت تبیین ارائه‌شده از نظرگاه فریره توسط کریلو و بوید می‌تواند تبیینی از مفروضات الاهیاتی نگاه فریره باشد.

مثال دیگر در این زمینه، مطالعه آلن بلاک (Block 2004) است که تبیینی از ریشه‌های الاهیاتی نظریه عملی رهبر پارادایم عملی، یعنی جوزف شواب، است. بلاک در این مطالعه از یک سو با تمرکز بر سنت تلمودی و تبیین اصول و محتوای این سنت و از سوی دیگر با تبیین پیشینه، زندگی، زمانه، و آرای علمی جوزف شواب، صاحب‌نظر برجسته حوزه مطالعات برنامه درسی، نشان می‌دهد که اندیشه شواب به‌ویژه ناظر به ایده پرکتیکال او، ریشه در سنت تلمودی دارد. بلاک براساس برداشتی تلمودی از عبادت، مطالعه، و یادگیری کار شواب را به‌مثابه عبادت و مطالعه می‌داند؛ مطالعه‌ای که با این آگاهی انجام شده است که در جهان چیزهای بیش‌تری از آنچه می‌دانیم وجود دارد که این همان موضع ترس و شگفتی است که عبادت و نماز در سنت تلمودی مطرح می‌کند و به‌عبارتی، همان دست‌نگه‌داشتن برای تصمیم‌گیری پیش از ملتفت شدن به وجوه مختلف یک مسئله و ادامه مسئله‌یابی و مسئله‌شناسی است که یادآور اصول مطالعه اخلاقی در سنت تلمودی است؛ چیزی که در پژوهش برنامه درسی به سبک عملی مطرح است.

دو. فهم تاریخ الاهیاتی مطالعات برنامه درسی

در برداشت دوم مشخصاً مطالعه آثاری مطرح است که راوی سیر تکوین، اندیشه الاهیاتی، و تحولات الاهیاتی مطالعات برنامه درسی هستند و ضمن بیان روایت منسجم از تاریخ رشته، ریشه‌های الاهیاتی مطالعات برنامه درسی را، که همان پیش‌فرض‌ها و تمایلات خودآگاه و ناخودآگاه الاهیاتی هستند، تبیین می‌کنند.

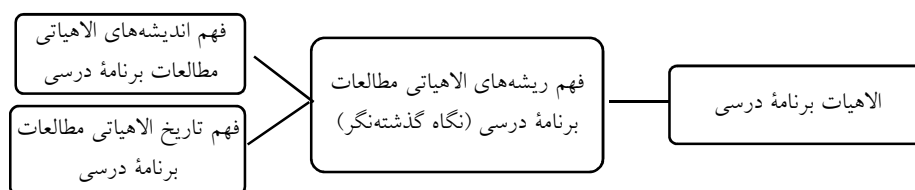
در نتیجه، نسبت میان برداشت اول و دوم عموم و خصوص مطلق است؛ زیرا هر مطالعه‌ای که به اندیشه‌های الاهیاتی رشته بپردازد، به‌نوعی درحال روایت بخشی از تاریخ اندیشه‌های رشته است. با این توضیحات، مطالعات ذکرشده در برداشت پیشین همگی مصداقی برای برداشت دوم نیز هستند.

علاوه بر این‌ها، آثاری که مشخصاً تاریخ الاهیاتی را مطالعه می‌کنند نیز قابل ذکرند. دیوید همیلتون در مطالعه خود تحت عنوان *تاریخ برنامه درسی* با بررسی تاریخ اروپایی و تاحدی انگلیسی رشته نشان می‌دهد که تحولات اجتماعی و فضای گفتمان آموزش مدرسه‌ای و برنامه درسی قرن هفدهم نحوه گذار عقل الاهیاتی به عقل طبیعی را که در فلسفه و الاهیات تاحد زیادی رقم خورده بود، برای این حوزه فراهم کرد (همیلتون ۱۳۹۶: ۸۴-۸۵). همیلتون در بخش‌هایی از روایت خود از تاریخ رشته بر نقش و جایگاه این چرخش‌های الاهیاتی در شکل‌گیری برنامه درسی سکولار مدرن تأکید می‌ورزد که می‌توان این صورت‌بندی را به‌طور خاص مطابق با نگاه گذشته‌نگر به الاهیات مضاف مبنی‌بر وجود ریشه‌های الاهیاتی در حوزه برنامه درسی و ریشه‌داشتن عقل سکولار برنامه درسی در سنت الاهیاتی عصر ماقبل سکولار دانست.

تحقیق پاینار (Pinar 1995) در اثری با عنوان *فهم برنامه درسی به مثابه متن الاهیاتی* مصداقی از این گونه مطالعات الاهیاتی است که تمرکز آن بر فهم تحولات الاهیاتی رشته یا به عبارتی ریشه‌های الاهیاتی تحولات رشته است. پاینار در این مطالعه از منظری نوفهم‌گرایانه به برنامه درسی به مثابه یک متن الاهیاتی به معنای گفتمانی الاهیاتی نگاه می‌کند. به عبارت دیگر، وی درحالی از تحولات اجتماعی و فکری درطول تاریخ حوزه مطالعات برنامه درسی یاد می‌کند که هم‌زمان، جنبه‌های الاهیاتی این تحولات را، البته به‌ویژه در ایالات متحد آمریکا، برجسته می‌سازد. پاینار متأثر از درکی نوفهم‌گرایانه از مفهوم الاهیات، به عنوان مفهومی جامع برای خلاصه کردن و ساده‌سازی پیچیدگی‌ها و دشواری‌های بررسی این مطلب، که ناظر به مباحث اخلاقی، ارزش‌ها، علم تفسیر، کیهان‌شناسی، و عقاید دینی است، استفاده می‌کند (ibid.: 607). او ضمن ارائه تحلیلی تاریخی تلاش می‌کند تا تأثیرات متقابل اشکال گوناگون تلقی الاهیاتی، نظیر دیدگاه‌های اخلاقی، مواضع دینی یا معنوی عصر پسا صنعتی، و یا نقش جنبش‌های دینی را در برنامه درسی به مثابه متنی الاهیاتی نمایان سازد و از این طریق، این دیدگاه را در چالش با دیدگاه مدرن مبنی‌بر پیشرفت مادی فناوری علمی قرار دهد. پاینار از طریق بررسی آثار و روی داده‌های مختلفی در عرصه اجتماعی، به‌ویژه ناظر به تحولات تعلیم و تربیت و برنامه درسی نشان می‌دهد که چگونه برنامه درسی به عنوان متن الاهیاتی، ریشه‌های اخلاقی، معنوی، و دینی و به یک عبارت، ریشه‌هایی الاهیاتی دارد. پاینار هم‌چون همیلتون کاملاً با تز سکولاریزاسیون مخالف نیست، اما فهم او از الاهیات برنامه درسی زمینه چنان روایتی را تسهیل می‌کند.

صورت‌بندی مبتنی‌بر برداشت دوم را می‌توان صورت‌بندی ممکن از الاهیات برنامه درسی دانست که نیازمند نظروورزی و نظریه‌پردازی است؛ چراکه بر این منوال هیچ صورت‌بندی

منسجم یک‌پارچه‌ای از کل تاریخ برنامه درسی تاکنون ارائه نشده است. شکل ۱ دیاگرام گونه‌شناسی الهیات برنامه درسی ناظر به نگاه گذشته‌نگر است.



شکل ۱. گونه‌شناسی الهیات برنامه درسی ناظر به نگاه گذشته‌نگر

دوم) نگاه آینده‌نگر: فهم الهیاتی مطالعات برنامه درسی

از آینده‌نگر بودن این دسته از مطالعات دو برداشت مختلف می‌توان داشت که ذیلاً تبیین شده‌اند.

برداشت اول: فهم الهیاتی مطالعات برنامه درسی

منظور از فهم الهیاتی، مطالعه موضوعات و مسائل مختلف حوزه مطالعات برنامه درسی از منظرگاه الهیاتی است؛ بنابراین، هر مطالعه آینده‌نگری که به دنبال تبیین منظرگاه الهیاتی جدیدی است، یک فهم الهیاتی جدید را ارائه می‌کند؛ اما این فهم الهیاتی خود می‌تواند بر سه گونه باشد:

۱. **فهم الهیاتی از اندیشه‌های موجود:** در این گونه مطالعات الهیاتی، فهم الهیاتی متمرکز بر اندیشه‌های نظری منتشر شده در متون حوزه مطالعات برنامه درسی است. این یعنی موضوع فهم الهیاتی موضوعی سابقه‌دار در رشته است که خود منظری الهیاتی را آشکارا تبیین نمی‌کند، اما برای اولین بار (یا به شکلی متفاوت از تبیین‌های الهیاتی دیگر در مورد آن) از منظر الهیاتی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. مصداق این گونه از الهیات برنامه درسی مطالعه انتقادی یکی از چهره‌های مهم این قلمرو، آلن بلاک (Block 2012)، تحت عنوان *به سوی اهداف و ارزیابی: ابزار کنترل در نقد مدل تایلر* است. بلاک در این مطالعه، مدل تایلر را از منظر الهیات تلمودی نقد می‌کند. بلاک غایت ارزش‌یابی رفتارگرایانه مدل تایلر را همان غایت عصر توسعه می‌داند که بدون توجه به گنجینه‌های فرهنگی گذشته، ما را کورکورانه به جلو می‌راند؛ در حالی که سنت تلمودی به جای تأکید بر اهداف عینی به مطالعاتی مستمر دعوت می‌کند؛ همان‌طور که

خاخام‌ها می‌گویند که صرفاً اطاعت از قانون کافی نیست. اگر قرار است بیت‌المقدس نجات یابد، مجبور هستیم همیشه از آن قانون فراتر برویم. این نه پاسخ سنجش‌شده و قابل‌اندازه‌گیری که به دنبال آن بگردیم، بلکه سؤال بعدی است که ما را به مطالعه دعوت می‌کند. نمی‌توانیم هدف سؤال را اندازه‌گیری کنیم. مطالعه همیشه در هیئت سؤال ایستادن است. مطالعه وضوح پاسخ را رد می‌کند (ibid.: 9).

این نگاه به مطالعه و پیوند آن با یادگیری و برنامه درسی از نظر بلاک کاملاً برپایه سنت تلمودی است که همیشه متن تلمود را در روی‌دادها و با روی‌دادها گشوده می‌بیند. بلاک در این جا به نوعی برای اولین بار تحلیلی الاهیاتی از معضل اهداف عینی و منطق تایلر ارائه می‌کند. این نوع مواجهه با دیدگاه تایلر در نوع خود فتح بابی در زمینه مطالعه الاهیاتی در حوزه برنامه درسی است که هم از حیث نقد الاهیاتی دیدگاه تایلر و هم طرح گفتمان یهودی در رشته برنامه درسی می‌توان آن را کم‌نظیر دانست.

مصادق دیگر، مطالعه آلن بلاک (Block 2004) تحت عنوان تلمود، برنامه درسی و عملی: جوزف شواب و خاخام‌ها (گفت‌وگویی پیچیده) است که در آن برای اولین بار فهمی الاهیاتی از اندیشه و نظریه جوزف شواب، رهبر جریان عملی در حوزه مطالعات برنامه درسی، ارائه می‌دهد. بلاک در این مطالعه از یک سو با تمرکز بر سنت تلمودی و از سوی دیگر، با تبیین پیشینه زندگی و آرای علمی شواب این فهم الاهیاتی را ارائه می‌کند.^۲

مثال دیگر، بخشی از مطالعه پاتریک اسلتری (Slattery 1989) تحت عنوان به سوی یک نظریه برنامه درسی آخرت‌شناسانه است که به طور ویژه به ارائه فهم الاهیاتی از اندیشه‌های صاحب‌نظرانی هم‌چون جان دیویی، جورج کوئتس، و هنری ژيرو می‌پردازد (ibid.: 125-136). او در این مطالعه ابتدا فهمی الاهیاتی مبتنی بر برداشت ویژه از مفهوم فرجام‌شناسی را صورت‌بندی می‌کند و در پرتو این برداشت به فهم فرجام‌شناسانه از نظریه این صاحب‌نظران می‌پردازد که در نوع خود تبیین الاهیاتی جدید از این نظریه‌ها محسوب می‌شود.

۲. فهم الاهیاتی تاریخ (تولد و سیر تکوین) مطالعات برنامه درسی: در این گونه از فهم الاهیاتی برنامه درسی با آثاری مواجه می‌شویم که عمدتاً از تاریخ برنامه درسی فهمی الاهیاتی ارائه می‌دهند. این فهم الاهیاتی می‌تواند فهم الاهیاتی از تولد رشته، سیر تکوین آن، یا اندیشه‌های مؤثر قدیم یا معاصر حوزه مطالعات برنامه درسی باشد؛ بنابراین، گونه پیشین، یعنی «فهم الاهیاتی از اندیشه‌های موجود»، را نیز شامل می‌شود؛ اما محدود به آن نمی‌شود. به هر حال، آنچه مشخصه بارز این گونه است فهم الاهیاتی از تحولات حوزه مطالعات برنامه درسی در طول تاریخ است. به عنوان مثال، مطالعه دیوید همیلتون (۱۳۹۶) را می‌توان مجدد در این جا مورد توجه

قرار داد؛ اما به این اعتبار که نوعی فهم الاهیاتی از برنامه درسی محسوب می‌شود. همیلتون تلاش می‌کند تا ضمن ارائه روایتی از تاریخ رشته، اندیشه صاحب‌نظران این حوزه را در زمینه این تحولات موردبررسی قرار دهد. مثلاً او درمورد تحولات برنامه درسی قرن هفدهم می‌گوید:

فضای گفتمان آموزش مدرسه‌ای و برنامه درسی قرن هفدهم، به‌طور گسترده تحت‌تأثیر و نفوذ این باور قرار داشت که خداوند طرح خلق هستی را به همان اندازه که در کتاب مقدس/انجیل بیان داشته، در طبیعت نیز تجلی بخشیده است (...). علاوه‌براین باور، این فرض هم مطرح بود که خداوند درکنار کتاب مقدس، عقل را نیز به انسان هدیه کرده است تا به‌واسطه آن به طرح خلقت خداوندی نزدیک شود و آن را فهم و حس کند و عقل هم این حس و فهم را مشروعیت بخشد. نتیجه و پی‌آمد این دو این بود که نظریه‌پردازان و اندیشمندان حوزه‌های فکری و سیاسی و کلیسایی تلاش داشتند تا عقل انسان، این موهبت الاهی، را آماده و مجهز سازند تا دفتر طبیعت را بگشاید؛ پیچیدگی‌های آن را بخواند، بازنماید، و ساده سازد (همیلتون ۱۳۹۶: ۸۴-۸۵).

تبیین وجود زمینه‌های الاهیاتی در تحولات فکری رشته برنامه درسی مسئله مهمی است که همیلتون با اشاره به آن انگاره تأثیر و عاملیت الاهیات و اندیشه‌های الاهیاتی در موجودیت‌یافتن برنامه درسی مدرن را تقویت می‌کند.

۳. **ارائه فهم الاهیاتی جدید:** گونه سوم، فهم الاهیاتی ناظر به طرح ایده یا نظریه‌ای کاملاً جدید است. به عبارت دقیق، فهم الاهیاتی فارغ از اندیشه‌ها و ایده‌های گذشته، ایده خود را در صورت‌بندی کاملاً جدیدی از الاهیات و برنامه درسی استوار می‌سازد. به عنوان مثال، ویتلاک (Whitlock 2019) با ارائه فهم جدیدی از الاهیات به مثابه «مطالعه خدا و ارتباط خدا با جهان» (ibid.: 239) برنامه درسی را به مثابه «گذری شخصی» (currere) و خدا را به عنوان «برنامه درسی زیسته‌شده» (lived curriculum) معرفی می‌کند (ibid.: 243). او این ایده را مطرح می‌سازد که باید «برای صحبت به شیوه‌ای جهانی درمورد برنامه درسی عمیقاً تلاش کنیم تا برای صحبت به شیوه‌ای جهانی درمورد خدا درگیر شویم» (ibid.: 228). به عنوان مثال، تأکید خاص او بر استفاده‌اش از اندیشه دیتریش بنهوفر، الاهی‌دان آلمانی، در جهت تلاش برای ارائه بحث الاهیاتی درون فضای سکولار حوزه مطالعات برنامه درسی قابل توجه است. ویتلاک با تکیه بر مفهوم «عمل مسئولانه» (responsible action) بنهوفر، که برآمده از الاهیاتی درمورد «هم‌بستگی خداوند با جهان» (God's solidarity with the world)، یک نوع «مسیحیت غیردینی» (religionless Christianity) و رویکردی مسیح‌شناسانه تحت عنوان «پیش‌فرض حضور مسیح» (presupposition of the presence of Christ) است و اخلاقی جهانی را تصویر می‌کند، می‌گوید: «باتوجه به آنچه بنهوفر

ترسیم می‌کند، جهان‌بودنی (worldliness) مطالعات برنامه‌درسی در امکانی که در ناتوانی و سختی غسل تعمید (recursive immersion) ما وجود دارد، یا آن‌طور که من می‌بینم، در اقدامات آزاد و مسئولانه عشق رادیکال نهفته است» (ibid.).

در مثالی دیگر، دونالد بلامنفلد جونز (Blumenfeld-Jones 2016) در مقدمه‌ای که بر مجموعه مقالات سمپوزیوم/جلاس برگامو^۳ نوشته است، ایده اولیه خود را حول نقد ادبیات پروتستانی حوزه مطالعات برنامه‌درسی و ارائه فهم الاهیاتی جدید از ادبیاتی که می‌تواند بر جامعه علمی حوزه مطالعات برنامه‌درسی حاکم شود، صورت‌بندی می‌کند. بلامنفلد جونز معتقد است ادبیات پروتستانی دائماً به دنبال این است که بگوید پشت کلمات روحی وجود دارد؛ اما ادبیات یهودی تلمودی بر کلمه و واسازی کلمه تمرکز دارد؛ اما ریشه این تقابل از نظر جونز در فهم الاهیاتی متفاوت آن‌هاست. الاهیات مسیحی آخرالزمان را نشان می‌دهد (کتاب دوم یوحنا) و به نوعی ادبیات آن فرجام‌شناسانه و ناظر به ظهور مسیح و بهبود جهان به دست اوست. لذا، این انگاره روح پشت کلمات را به فرجام مسیحی جهان نسبت می‌دهد و رابطه‌ای معنادار میان آن‌ها برقرار می‌کند. اما الاهیات یهودی عاملیت ویژه‌ای برای یهودیان در بهبود جهان مطرح می‌کند؛ مسیری که بلامنفلد جونز ترسیم می‌کند، مسیر نظروری و نظریه‌پردازی درباره ایده الاهیات برنامه‌درسی به معنای عرضه نگاهی نو در مورد گفتمان یهودی برنامه‌درسی است.

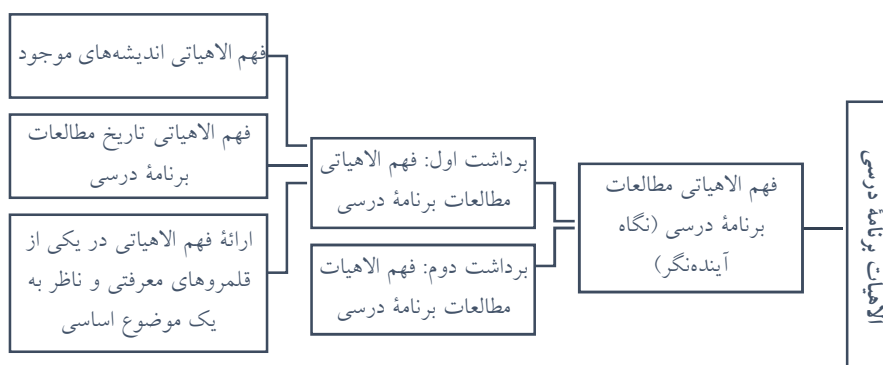
برداشت دوم: فهم الاهیات مطالعات برنامه‌درسی

بر این اساس، دانش مطالعات برنامه‌درسی از منظری الاهیاتی صورت‌بندی و نظریه‌پردازی می‌شود. اگر بخواهیم فهم الاهیات مطالعات برنامه‌درسی را ذیل نگاه گذشته‌نگر قرار دهیم، بدان معناست که این حوزه مطالعاتی را کاملاً الاهیاتی بدانیم. این به تعبیری همان فهم الاهیاتی از تاریخ حوزه برنامه‌درسی است که پیش‌تر بحث شد.

به علاوه، منظور از فهم الاهیات مطالعات برنامه‌درسی مستلزم تفکیک میان «فهم الاهیاتی مطالعات برنامه‌درسی» و «فهم الاهیات مطالعات برنامه‌درسی» است. در اولی موضوع مطالعات برنامه‌درسی و محمول فهم الاهیاتی است؛ در حالی که در دومی موضوع الاهیات مطالعات برنامه‌درسی و محمول فهم است. این یعنی در اولی با حدود و ثغوری مواجه هستیم که صرفاً شامل هرگونه فهم الاهیاتی از اندیشه‌ها، تاریخ، و آینده مطالعات برنامه‌درسی می‌شود؛ اما در دومی با حدود و ثغور و قلمرویی جدید مواجه هستیم که یک قلمروی الاهیاتی است. در اولی گستره مطالعاتی همان مطالعات برنامه‌درسی است؛ اما در دومی با گستره مطالعاتی جدیدی تحت عنوان «الاهیات مطالعات برنامه‌درسی» به مثابه نوعی قلمروی الاهیات مضاف مواجه

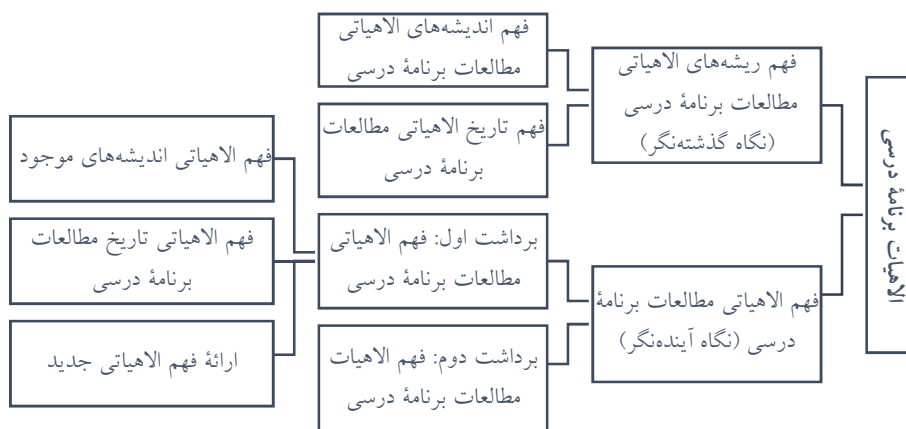
الاهیات برنامه درسی: تعاریف و گونه‌شناسی (مرتضی نقره‌ای و مقصود امین‌خندقی) ۱۸۵

هستیم که فهم آن یعنی فهم الاهیات در دل دانش مطالعات برنامه درسی؛ چنین تلقی‌ای در وضعیت موجود و میان آرای صاحب‌نظران حوزه مطالعات برنامه درسی هنوز وجود ندارد؛ زیرا هیچ تبیینی از چیستی، حدود و ثغور، و مباحث و مسائل این قلمرو صورت‌بندی و منتظم نشده است. تلقی دوم در قسمت بعد می‌تواند موجبات بازنگری در گونه‌شناسی فعلی را فراهم سازد. شکل ۲ دیگرام گونه‌شناسی الاهیات برنامه درسی ناظر به نگاه آینده‌نگر است.



شکل ۲. دیگرام گونه‌شناسی الاهیات برنامه درسی آینده‌نگر

به‌طور کلی، می‌توان بررسی گونه‌های مختلف الاهیات برنامه درسی با تقسیم‌بندی نگاه گذشته‌نگر و آینده‌نگر را شامل پنج گونه اساسی دانست که شکل ۳ بیان‌گر این گونه‌شناسی و جایگاه هرگونه در این دسته‌بندی است.



شکل ۳. دیگرام گونه‌شناسی الاهیات برنامه درسی

در میان این پنج گونه احصاشده از مباحث قلمروی الاهیات برنامه درسی چند نکته وجود دارد:

اول این که، نگاه گذشته‌نگر به الاهیات برنامه درسی ناظر به تفسیری جامع از تاریخ الاهیاتی رشته برنامه درسی به گونه‌ای که تز خودآیینی سکولاریته را به نقد بکشد مورد غفلت قرار گرفته است؛ بنابراین، می‌توان پیش‌فرض موجود در فهم الاهیاتی از مدرنیته را در مطالعات برنامه درسی به بوته آزمون و نظرورسی گذاشت.

دوم این که، برداشت دوم از نگاه آینده‌نگر به الاهیات برنامه درسی، یعنی «فهم الاهیات مطالعات برنامه درسی»، گونه‌ای ناموجود در حوزه مطالعات برنامه درسی است؛ زیرا تاکنون هیچ تبیین مستقلی از قلمروی الاهیات مطالعات برنامه درسی به مثابه قلمروی الاهیات مضاف صورت نگرفته است. چنین برداشتی از الاهیات برنامه درسی جایگاه الاهیات را هم از حیث گستردگی مباحث و هم از حیث عمق و میزان تأثیر مباحث دست‌خوش دگرگونی اساسی خواهد کرد؛ زیرا نه تنها می‌تواند به تمامی مصادیق و گونه‌های الاهیات برنامه درسی نظم و انسجام معنادار بخشد، بلکه می‌تواند به‌پشتوانه این انسجام معنادار الاهیات را به مثابه دانشی برای شکل‌دادن به نظم دانشی جدید مطالعات برنامه درسی معرفی کند. این درحالی است که برداشتها و گونه‌های الاهیات برنامه درسی در وضع موجود اغلب نظم دانشی جدیدی را به تصویر نمی‌کشند؛ اگرچه همگی می‌توانند بستر و مقدمه تحقق این امر باشند. به عنوان مثال، وسعت و عمق مفهوم الاهیات در مصادیق گونه «فهم تاریخ الاهیاتی مطالعات برنامه درسی» به معنای نظم دانشی جدیدی نیست، اما با تبیین منسجم از تاریخ رشته و ریشه‌های الاهیاتی مطالعات برنامه درسی، به موازات این که «الاهیات مطالعات برنامه درسی» برای نظم الاهیاتی جدید این رشته در مقام نظر و منتزع از تاریخ انتظام ایجاد می‌کند، روایت‌های تاریخی قبلی را می‌توان موادی ضروری برای تبیین تاریخی از این درک الاهیاتی دانست.

سوم این که، همگی این نکات را باید با این پیش‌فرض در نظر بگیریم که بسیاری از این گونه‌ها در مطالعات مختلف ممکن است و می‌توانند درهم‌تنیده و هم‌زمان مشاهده شوند.

باتوجه به این که چنین صورت‌بندی‌ای از الاهیات برنامه درسی بیش‌ازپیش مقصود ما را در گام دوم، یعنی رسیدن به برداشتی شمول‌گرایانه از الاهیات برنامه درسی برآورده می‌سازد، ضروری است که هم امکان الاهیات مطالعات برنامه درسی را تبیین کنیم و هم براساس این گونه از الاهیات برنامه درسی گونه‌شناسی پیشین را بازنگری نماییم.

۳. تعریف شمول‌گرایانه از الاهیات برنامه درسی: به‌سوی دانشی الاهیاتی

در این قسمت با دو مسئله اساسی مواجه هستیم. اولاً آیا اساساً می‌توان به چنین گونه‌ای از الاهیات برنامه درسی اندیشید؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان با تعریف شمول‌گرایانه از گونه‌های بحث‌شده پیش‌ازاین، الاهیات برنامه درسی را به‌منزله یک دانش الاهیاتی صورت‌بندی کرد؟ ثانیاً اگر پاسخ مثبت است، در پرتو این صورت‌بندی از دانش الاهیاتی، تکلیف سایر گونه‌های الاهیات برنامه درسی چه خواهد شد؟

به‌منظور پاسخ به پرسش اول، بحثی اجمالی را از امکان و چگونگی پیوند میان دو دانش و دیسپلین (الاهیات و برنامه درسی) یا مطالعه یکی براساس دیگری با تأکید بر حوزه مطالعات برنامه درسی خواهیم داشت.

در این‌جا درباب امکان و چگونگی پیوند میان دانش مطالعات برنامه درسی با دیگر دانش‌ها می‌توان به‌عنوان مثال به صورت‌بندی جان استیون مان اشاره کرد. او باتوجه‌به تبیین جوزف شواب از سه نوع ساختار دیسپلین که عبارت‌اند از: ساختارهای سازمانی، جوهری، و ترکیبی، پیوند میان دیسپلین برنامه درسی و سایر دیسپلین‌ها را از طریق ساختار سازمانی آن‌ها ممکن می‌داند. ساختار سازمانی دیسپلین عبارت است از: اصل‌ها، مبناها، و ربط و نسبت یک دیسپلین (مانند مطالعات برنامه درسی) با سایر دیسپلین‌ها. در نگاه او، این امر مستلزم فهم درست و دقیق مرزها و برهم‌کنش‌های میان دو دیسپلین است (مان ۱۳۸۹: ۱۵۷). بر این اساس، اگر الاهیات و مطالعات برنامه درسی را دو دانش مستقل بدانیم، فارغ از این‌که کدام تبیین از دانش الاهیات و برنامه درسی را به‌عنوان برداشت معیار انتخاب کنیم، این امکان به‌شرط دقت حداکثری در حدود و ثغور و مناسبات و ارتباطات میان این دو دانش وجود خواهد داشت.

به‌علاوه، طبق روایتی که درمورد نگاه گذشته‌نگر به الاهیات مضاف در ابتدای مطالعه بیان شد، باتوجه‌به نمونه‌های ذکرشده در این زمینه در قسمت قبل، مانند مطالعه همیلتون (۱۳۹۶)، می‌توان از امکان پرداختن به این مسئله سخن گفت. حاصل این بحث دانشی میان‌رشته‌ای است که به‌دنبال ایجاد نسبت دوطرفه میان الاهیات و برنامه درسی است.

در پاسخ به پرسش دوم، یعنی پرسش از صورت‌بندی الاهیات برنامه درسی به‌مثابه الاهیات مطالعات برنامه درسی و به‌منظور نظم‌بخشیدن به سایر گونه‌های الاهیات برنامه درسی ذیل این تلقی، لازم است تا پیش از هرچیز این مطلب را در نظر بگیریم که منظور از الاهیات و مطالعات برنامه درسی چیست.

دانش برنامه درسی اسلامی: نگاه ما به مطالعات برنامه درسی اجمالاً دانشی است که در آن تمامی قلمروها، مباحث، و موضوعات رشته ذیل تلقی خاصی از الاهیات اسلامی^۴ مبنی بر ضرورت محوریت نگاه توحیدی شکل گرفته و قوام یافته باشد. به عبارت دیگر، دانشی را می‌توان دانشی اسلامی دانست که تفسیری از نظریه اسلام را در تمامی قلمروها، مسائل، و موضوعات آن شاهد باشیم. در این زمینه، یعنی نگاه دانشی به اسلامی بودن برنامه درسی در میان نگاه‌های پژوهش‌گران مسلمان به دانش برنامه درسی، تنها می‌توان یک مطالعه را دارای این نگاه دانست. مطالعه امین‌خندقی و مهدوی‌خواه (۱۳۹۶) تلاشی برای انبساط مفهومی درباره برنامه درسی اسلامی است که قصد دارد بیان کند اگر نگاه توحیدی را در نظریه دانش برنامه درسی به کار بگیریم، این امکان وجود دارد که علاوه بر تغییر جهت‌گیری به موضوعات، مسائل، و حدود و ثغور مطالعات برنامه درسی، قلمروها و موضوعات جدیدی برای این رشته قابل طرح باشد و هویت دانشی آن کاملاً از وضع موجود متمایز گردد.

الاهیات اسلامی: درک ما از الاهیات مطالعات برنامه درسی به معنای دانشی الاهیاتی است که در آن براساس درک ما از حدود و ثغور دانش الاهیات اسلامی، تمامی مباحث و موضوعات حوزه مطالعات برنامه درسی موردبازسازی قرار می‌گیرد. این منظر، نگاهی مطلوب به برنامه درسی اسلامی را برای متخصصان مطالعات برنامه درسی مطرح می‌کند؛ اما وجه دیگر نگاه الاهیاتی فرضی مذکور، نقد حوزه مطالعات برنامه درسی موجود و تاریخ آن است که امکان تفسیر و نقد الاهیاتی برنامه درسی را فراهم می‌سازد.

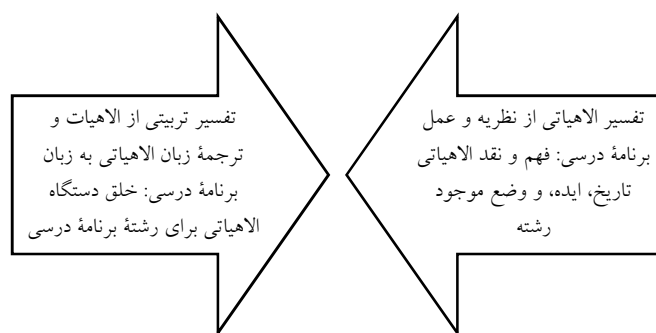
در نتیجه، می‌توان پروژه مطالعاتی‌ای را در نظر گرفت که از یک سو ناظر به شکل‌گیری هویتی اسلامی برای حوزه مطالعات برنامه درسی است که رسالت آن تفسیر تربیتی الاهیات اسلامی و ترجمان الاهیات به زبان برنامه درسی است؛ یعنی همان‌طور که برخی زبان ریاضیات جدید را زبان نظریه‌پردازی برنامه درسی قرار داده‌اند (مانند جرج بوشامپ)، طرح پیش‌رو، بتواند زبان الاهیات اسلامی را زبان نظریه‌پردازی برنامه درسی قرار دهد. از سوی دیگر، این پروژه ناظر به شکل‌گیری منظری الاهیاتی درمورد حوزه مطالعات برنامه درسی است که رسالت آن نقد، تفسیر الاهیاتی، و صورت‌بندی الاهیاتی از دانش مطالعات برنامه درسی است؛ یعنی می‌توان با تعریفی اسلامی از الاهیات، نگاهی جدید به فهم الاهیاتی از نظریه و عمل برنامه درسی داشت.

به عبارت دیگر، دانش جدید این زمینه را فراهم می‌سازد که بتوانیم الاهیات برنامه درسی را به مثابه دانش مضافی تعریف کنیم که از یک سو ریشه در نگاه اسلامی به دانش الاهیاتی معیار

الاهیات برنامه درسی: تعاریف و گونه‌شناسی (مرتضی نقره‌ای و مقصود امین‌خندقی) ۱۸۹

دارد و امکان تفسیر، فهم، و بازصورت‌بندی الاهیاتیِ مباحث مطالعات برنامه درسی را ایجاد می‌کند و ازسوی دیگر، کمک می‌کند تا با زبان الاهیات پدیده‌های برنامه درسی را نظریه‌پردازی کنیم. در این جا دو رسالت هم‌زمان برای الاهیات برنامه درسی ایجاد می‌شود: تفسیر الاهیاتی از برنامه درسی ناظر به تاریخ، ایده، و وضع موجود رشته برنامه درسی (نظریه و عمل) و تفسیر تربیتی از الاهیات اسلامی که به شکل‌گیری برنامه درسی اسلامی مطلوب کمک می‌کند.

به‌عنوان مثال، می‌توان با درک و بسط مفروضات اساسی الاهیات اسلامی نظیر توحید ربوبی، دوگانه‌هایی نظیر علم و دین، دین و ترقی، و خدا و واقعیت مادی را در نگاه مدرنیست‌ها به برنامه درسی نقد و تفسیر الاهیاتی کرد. هم‌چنین، برای تبیین مسائل مطالعات برنامه درسی مانند مسئله نظریه و عمل برنامه درسی می‌توان با پرداختن به جایگاه الاهیات در بیان انتزاعی و بیان روزمره یا عرفی، در جهت تبیین الاهیاتی از نسبت نظریه و عمل برنامه درسی اسلامی اقدام کرد.



شکل ۴. الاهیات مطالعات برنامه درسی (تعامل الاهیات اسلامی و برنامه درسی اسلامی)

۱.۳ نگاه گذشته‌نگر به الاهیات اسلامی برنامه درسی

باتوجه به صورت‌بندی انجام‌شده ناظر به تعامل میان الاهیات و برنامه درسی، گونه‌شناسی انجام‌شده در گام اول این مطالعه دست‌خوش تغییر اساسی می‌شود. اولاً، در نگاه گذشته‌نگر به الاهیات برنامه درسی از فهم ریشه‌های الاهیاتی برنامه درسی صحبت شد که یکی ناظر به فهم تاریخ الاهیاتی رشته و دیگری فهم اندیشه‌های الاهیاتی رشته بود. آنچه در بازصورت‌بندی این نگاه نیازمند توجه است، این است که نگاه گذشته‌نگر به الاهیات مضاف اسماً دو ویژگی مهم داشت: ویژگی اول، تلاش برای فهم گذشته الاهیاتی یک موضوع، مبحث، یا رشته است. ثانیاً،

دغدغه مهمی که در الاهیات مضاف گذشته‌نگر مطرح شد، بحث مطالعه تز سکولاریزاسیون و نگاه اخیر به نقد خودآیینی مدرنیته و برملاکردن این مطلب است که مدرنیته و عصر سکولار ریشه در چرخش‌های الاهیاتی دارد که دنبال کردن این پروژه چه‌بسا نوید نقدهای اساسی به سکولاریسم و روایت سکولار از تاریخ اندیشه و علم و فروپاشی هژمونی سکولاریسم را در آینده به‌هم‌راه داشته باشد (میلبنک ۱۳۹۶؛ ووگلین ۱۳۹۹؛ گیلپی ۱۳۹۸؛ کچویان ۱۳۹۹).

براساس فهم جدید و شمول‌گرایانه از الاهیات برنامه درسی مبنی بر نگرش به الاهیات برنامه درسی به‌عنوان دانشی الاهیاتی و رسالت هم‌زمان الاهیاتی و تربیتی در این نگاه، آنچه محور صورت‌بندی جدید در این پژوهش است، لاجرم درک الاهیات برنامه درسی به‌مثابه نظم دانشی جدیدی است که قطعاً یک وجه مهم و اساسی آن درک تاریخی منسجم از تاریخ این حوزه است؛ زیرا تا درک تاریخی درست از حوزه مطالعات برنامه درسی مبتنی بر نقش و جایگاه الاهیات (چه به‌معنای الاهیات دینی و چه به‌معنای شبه‌الاهیات یا الاهیات‌های انحرافی) در این حوزه حاصل نشود، نمی‌توان نظم جدیدی را برای دانش آن فراهم کرد و این نه‌تنها مربوط به قلمروی برنامه درسی به‌طور اخص است که حتی برای رهایی از علوم انسانی سکولار به‌طور اعم نیز صدق می‌کند (همان: ۲۲۰). بر این اساس، دو صورت مواجهه در دانش جدید قابل‌تصور است:

صورت اول: تمامی مطالعات مربوط به تاریخ الاهیاتی رشته یا اندیشه‌های الاهیاتی آن موردبررسی قرار می‌گیرند. این بررسی ناظر به مطالعه گذشته الاهیاتی رشته برنامه درسی است و از این حیث، قوت‌بخش الاهیاتی‌بودن رشته برنامه درسی است که به اندیشه‌های الاهیاتی یا تحولات اجتماعی و فرهنگی زمینه‌سازی که دارای صبغه الاهیاتی بوده‌اند می‌پردازد و آن‌ها را براساس نگاه الاهیاتی اسلامی (که نگاهی فرضی بوده و در این مطالعه مجال و قصد تبیین آن نیست)، موردنقد و تفسیر قرار می‌دهد (رسالت الاهیاتی: تفسیر الاهیاتی از تاریخ الاهیاتی و نظریه الاهیاتی برنامه درسی). این نقد و یا ایده‌پردازی‌های بدیل می‌تواند تاحدی ما را به فهم نزدیک به نظریه اسلامی برساند، اما کافی نیست.

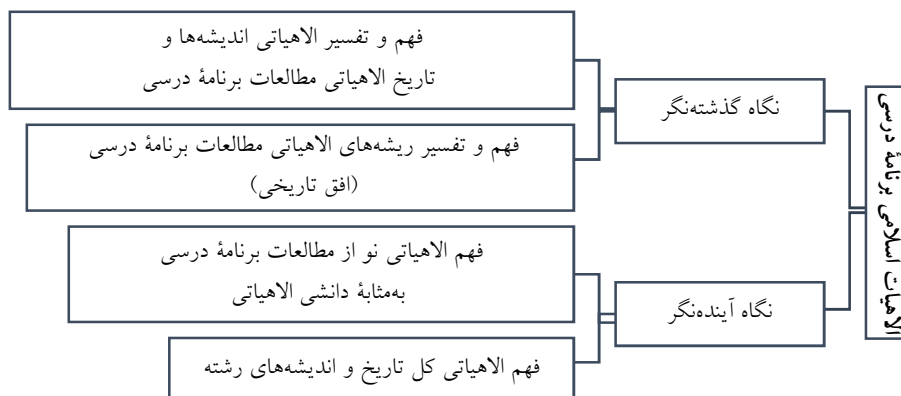
صورت دوم: صورت دوم که بسیار ضروری و حاصل نگاه جدید به الاهیات برنامه درسی است، تلاشی الاهیاتی درجهت فهم ریشه‌های الاهیاتی به‌معنای نقد خودآیینی عقل سکولار حوزه مطالعات برنامه درسی است و این یعنی نگاه الاهیاتی به کل رشته برنامه درسی؛ چه وجه الاهیاتی آثار موجود و چه وجه سکولار این رشته. عقل سکولار رشته تاریخ آن را منقطع از گذشته الاهیاتی تاریخ بشر می‌داند و قائل به تز جدایی عقل از دین است و علم برنامه درسی را

هم‌مسیر با پروژه پیشرفت غربی و رهایی از الاهیات تعریف می‌کند. این صورت دوم کارویژه مهم‌تری است که به واسطه الاهیاتی‌بودن دانش جدید می‌توان آن را درامتداد پروژه اندیشمندانی هم‌چون لوویت، ووگلین، میلبنک، و گیلپی از منظر یک الاهی‌دان مسلمان پی‌گیری کرد و البته در این مطالعه می‌توان براساس آن به تعریف جدیدی از الاهیات برنامه درسی رسید. اساساً این صورت دوم همان افق تاریخی‌ای است که اگر پژوهش‌گر مسلمان بتواند بدان دست یابد، می‌تواند تمام تاریخ را به‌طور عام و تمام تاریخ تربیت و مطالعات برنامه درسی را به‌طور خاص با معنای جدیدی مواجه سازد.^۵

۲.۳ نگاه آینده‌نگر به الاهیات اسلامی برنامه درسی

از آن‌جاکه نگاه آینده‌نگر قائل به الاهیات مضاف به معنای ارائه فهم الاهیاتی جدیدی از موضوع و یا یک رشته است (مانند الاهیات فرهنگ، الاهیات اجتماعی، الاهیات رهایی‌بخش، و ...)، فهم الاهیاتی در قالب دانش الاهیاتی جدید شمول بیش‌تری می‌یابد؛ زیرا هم شامل فهم الاهیاتی اندیشه‌ها و تاریخ الاهیاتی و هم شامل فهم الاهیاتی اندیشه‌ها و تاریخ کل رشته برنامه درسی، فارغ از این‌که به‌ظاهر الاهیاتی هستند یا نه، می‌شود. به عبارت دیگر، کارویژه مهم نگاه آینده‌نگر به الاهیات اسلامی برنامه درسی ارائه صورت‌بندی منسجمی از تاریخ و نظریه دانش برنامه درسی با درکی کاملاً الاهیاتی بر مبنای ایده اسلامی از آن است. این یعنی درخصوص ارائه فهم الاهیاتی نو از برنامه درسی، باید به دنبال فهمی از برنامه درسی باشیم که آن را به‌عنوان دانشی الاهیاتی تبیین کند (رسالت برنامه درسی: تفسیر تربیتی از الاهیات). درمورد فهم الاهیاتی تاریخ و فهم الاهیاتی اندیشه‌های رشته نیز باید فهمی از تاریخ رشته ارائه دهیم که ذیل نگاه ما به الاهیات اسلامی، تاریخ، ایده، و وضع موجود رشته نقد و تفسیر الاهیاتی شود (رسالت الاهیاتی: تفسیر الاهیاتی از تاریخ و نظریه برنامه درسی). موضوع دیگر نیز آینده برنامه درسی است که این آینده نیز باید با فهمی الاهیاتی به‌تصویر کشیده شود. بنابراین، نگاه آینده‌نگر به الاهیات اسلامی برنامه درسی را می‌توان در پیوند وثیقی با صورت دوم از نگاه گذشته‌نگر به الاهیات اسلامی برنامه درسی دانست. به عبارت دیگر، هیچ‌گاه امکان دست‌یابی به نگاه آینده‌نگر به معنای کامل و بدون داشتن افق تاریخی دینی صورت نخواهد پذیرفت.

در شکل ۵ دیگرام الاهیات مطالعات برنامه درسی به‌عنوان یک پروژه مطالعاتی ذیل الاهیات اسلامی نشان داده شده است.



شکل ۵. الاهیات مطالعات برنامه درسی به‌عنوان یک پروژه مطالعاتی:
گونه‌شناسی شمول‌گرایانه ذیل الاهیات اسلامی

۴. بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه به گونه‌شناسی قلمروی الاهیات برنامه درسی پرداخته شد. مبنای این گونه‌شناسی ناظر به دو تلقی کلی و اساسی نسبت به الاهیات مضاف انجام شد که یکی بیان‌گر نگاه گذشته‌نگر به مطالعات الاهیاتی و برجسته‌ترین شکل آن، یعنی مطالعه الاهیاتی درباب فهم ریشه‌های الاهیاتی مدرنیته و تاریخ سکولار غربی، و دیگری بیان‌گر نگاه آینده‌نگر به حوزه‌های مختلف، نظیر الاهیات فرهنگ، الاهیات اجتماعی، الاهیات سیاسی، و ... بود. با این مختصات، برخی مطالعات و آرای برجسته حوزه مطالعات برنامه درسی بررسی و نظرورزی و نهایتاً پنج گونه شناسایی شد. تلقی شمول‌گرایانه نسبت به الاهیات برنامه درسی، که برآمده از تلقی الاهیات به‌عنوان دانش اسلامی و مطالعات برنامه درسی آن هم به‌عنوان دانش اسلامی است، امکان بازصورت‌بندی این گونه‌شناسی را فراهم می‌کند؛ به‌گونه‌ای که الاهیات برنامه درسی را می‌توان پروژه مطالعاتی‌ای دانست که دارای دو رسالت هم‌زمان الاهیاتی و تربیتی در حوزه برنامه درسی است. این پروژه مطالعاتی در قالب دو رسالت الاهیاتی و تربیتی، هم‌زمان تاریخی و آینده‌نگرانه نیز است. تاریخی از این حیث که به‌دنبال فهم (الاهیاتی) کل تاریخ برنامه درسی است؛ چه تاریخی که الاهیاتی و چه تاریخی که غیرالاهیاتی است، اما به‌قول قائلان به تز سکولاریزاسیون از همان ابتدا ادعایی واهی مبنی بر خودبنیادبودن را مطرح کرده است؛ به این معنا که نوعی تغییر جایگاه برای الاهیات بوده است که باعث شکل‌گیری آن شده است و خود ریشه در الاهیات و سنت‌های الاهیاتی دارد؛ از این منظر، می‌توان مهم‌ترین وجه‌مميزه الاهیات

الهیات برنامه درسی: تعاریف و گونه‌شناسی (مرتضی نقره‌ای و مقصود امین‌خندقی) ۱۹۳

اسلامی برنامه درسی را تلاش برای صورت‌بندی افق تاریخی اسلامی برای امر تربیت و برنامه درسی دانست که در برابر افق تاریخی سکولار رشته و یا دیگر افق‌های الهیاتی ممکن قرار می‌گیرد و امکان تصور آینده و ایده‌پردازی جدید را نیز فراهم می‌سازد. جایگاه این افق تاریخی برای نظریه‌پردازی برنامه درسی همان جایگاه الهیات تاریخ یا فلسفه تاریخ برای ارائه تصویر جدید از عقل و علم بشری است. پروژه مطالعاتی مذکور از این حیث آینده‌نگرانه نیز است؛ چراکه همان‌طور که فلسفه تاریخ امکان‌نظروزی درباره آینده را فراهم می‌کند، با نگاه به الهیات اسلامی به عنوان یک دانش (که پیوند وثیقی با الهیات اسلامی به عنوان یک افق تاریخی دارد) باز صورت‌بندی دانش مطالعات برنامه درسی از منظری اسلامی ممکن می‌شود که به معنای جست‌وجوی نظم دانشی مطلوب در قالب پروژه‌ای بی‌پایان در این رشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری در رشته مطالعات برنامه درسی در دانشگاه فردوسی مشهد با عنوان *تبیین ریشه‌های الهیاتی - دین‌شناختی حوزه مطالعات برنامه درسی؛ در جست‌وجوی طرح کلی ریشه‌های الهیاتی - دین‌شناختی اسلامی است.*

۲. البته مطالعه بلاک را به این اعتبار که به صورت‌بندی الهیاتی از نظریه شواب می‌پردازد، می‌توان گونه مطالعه الهیاتی گذشته‌نگر ناظر به مطالعه اندیشه الهیاتی یکی از صاحب‌نظران رشته محسوب کرد، همان‌طور که در بخش قبل در دسته مطالعات گذشته‌نگر به عنوان نمونه از آن یاد شد؛ اما در این جا قرارداد مطالعه بلاک در دسته مطالعات الهیاتی آینده‌نگر به این اعتبار است که فهمی نو و الهیاتی از اندیشه سابقاً سکولار، آن‌چنان‌که ادبیات رایج رشته نشان می‌دهد، ارائه داده است.

۳. در سایت اجلاس برگامو (Bergamo)، وابسته به مجله نظریه‌پردازی برنامه درسی (JCT)، درخصوص این اجلاس که تقریباً هر ساله برگزار می‌شود، آمده است: «اجلاس برگامو از سال ۱۹۶۹ در زمینه نظریه برنامه درسی و عمل کلاس درس، به عنوان محل اجتماع نظریه‌پردازان و متخصصان، از جمله معلمان، دانشجویان، محققین، مدیران، و فعالان فرهنگی دارای دیدگاه‌ها و موقعیت‌های اجتماعی مختلف، به منظور شرکت در برخوردهای دیالکتیکی و مشارکتی کار می‌کند. این اجلاس با تعهد به آوردن گفتمان‌های مختلف و متنوع به مکالمات عمومی، از همه دیدگاه‌ها در شکل‌گیری یک جامعه مشترک دارای اختلاف نظر استقبال می‌کند. این اجلاس سبک‌های نوآورانه ارائه کارهای فکری در حوزه نظریه برنامه درسی را تشویق می‌کند» (<http://www.jctonline.org/conference>).

۴. طرح مسئله و تعیین موضع مشخص در قبال الهیات اسلامی نیازمند بررسی دیدگاه‌های الهیاتی و کلامی و استدلال حول دیدگاه معیار است که برای توسعه الهیات اسلامی در دانش برنامه درسی بسیار ضروری است، اما در این مطالعه محل بحث نیست.

۵. چنین متصوریم که افق تاریخی صورت‌بندی‌شده توسط متفکران مدرن نظیر دکارت، هگل، یا کنت مدرنیته را عصر تکامل عقل بشری و پایان اعصار گذشته دانست و این موضوع اساس شکل‌گیری عقلانیت مدرن در برنامه درسی بوده و است. متفکران پست‌مدرن این افق تاریخی را برهم زده‌اند و باوجود تخریب هرگونه افق تاریخی سکولار، نتوانسته‌اند افق تاریخی جدیدی پیش‌روی انسان پست‌مدرن قرار دهند؛ لذا می‌بینیم در برنامه درسی با مسئله بحران انتخاب و تصمیم‌گیری مواجه‌اند. در این وضع، افق تاریخی جدید را می‌توان متضمن معنایی دانست که موجب احیای رسالت تربیت به‌معنای دینی آن باشد، نه برپایه فهمی برساخت‌گونه، بلکه برپایه بازگشت انسان به امری اصیل و جاودانه.

کتاب‌نامه

- اسلامی‌راد، سعید و امیلیا نرسیسیان (۱۴۰۱)، «زیبایی‌شناسی کوئیر: از سیاست هویت به سیاست کوئیر به‌مثابه سیاست مبتنی بر برابری»، *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ش ۲۳، ۸۳-۱۱۸.
- امین‌خندقی، مقصود و علی مهدوی‌خواه (۱۳۹۶)، «به‌سوی انبساط مفهومی از برنامه درسی اسلامی»، *فصل‌نامه مطالعات برنامه درسی اسلامی*، س ۱۲، ش ۴۶، ۱-۳۴.
- جودی، بهنام و دیگران (۱۳۹۷)، «جدال نظری کارل لوویت و هانس بلومبرگ: «دوران جدید» به‌مثابه «دنیوی‌شدن آخرت‌اندیشی» یا «دنیوی‌شدن از راه آخرت‌اندیشی»»، *دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی غرب‌شناسی بنیادی*، س ۹، ش ۲، ۲۵-۵۰.
- زرقانی، اعظم و دیگران (۱۳۹۵)، «نسبت میان نظریه و عمل از منظر پارادایم‌های حوزه مطالعاتی برنامه درسی»، *فصل‌نامه پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی*، س ۲، ش ۵، ۶۷-۱۰۵.
- ستاری، سجاد (۱۳۹۶)، «فراسوی ریاضیات توسعه؛ چرخشی سوی الاهیات توسعه (اولویت متافیزیک توسعه بر فیزیک توسعه)»، *فصل‌نامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۳، ش ۲، ۹-۲۷.
- شوبرت، ویلیام (۱۳۹۲)، «پژوهش فلسفی: جستار نظرورزان» در: *روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی*، تهران: سمت.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۹۳)، *تاریخ اندیشه سیاسی جدید در اروپا*، ج ۱: *از نوزایش تا انقلاب فرانسه*، ۱۵۰۰-۱۷۱۹، دفتر نخست: *جدال قدیم و جدید در الاهیات و سیاسات*، ویراست دوم با تجدیدنظر کامل، تهران: مینوی خرد.
- کچویان، حسین (۱۳۹۹)، *تجددشناسی و غرب‌شناسی: حقیقت‌های متضاد*، تهران: امیرکبیر.
- کرول، جوئل (۱۳۹۸)، *پایان الاهی یا بشری تاریخ: مجادله هانس بلومبرگ، کارل لوویت و کارل اشمیت دریاب سکولاریزاسیون و مدرنیته*، تهران: پگاه روزگار نو.
- گیلسپی، مایکل آلن (۱۳۹۸)، *ریشه‌های الاهیاتی مدرنیته*، ترجمه زانیار ابراهیمی، تهران: پگاه روزگار نو.
- لوویت، کارل (۱۳۹۷)، *معنا در تاریخ*، ترجمه سعید حاجی‌ناصری و زانیار ابراهیمی، تهران: علمی و فرهنگی.

الاهیات برنامه درسی: تعاریف و گونه‌شناسی (مرتضی نقره‌ای و مقصود امین‌خندقی) ۱۹۵

- مان، جان استون (۱۳۸۹)، «یک دیسیپلین نظریه برنامه درسی»، در: *برنامه درسی: گفتمان نظریه، پژوهش و عمل برنامه درسی نو مفهوم‌گر*، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- موحد، مجید (۱۳۸۵)، «الاهیات فمینیستی و دنیوی‌شدن»، فصل‌نامه *اندیشه دینی*، ش ۲۰، ۸۱-۱۰۶.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۰)، «نظروزی درباره برنامه درسی دبیرستان، گرایش عمومی، تخصصی، یا هم‌گرایی در چهارچوب تخصص‌گرایی نرم»، *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، س ۱، ش ۱، ۲۵-۴۸.
- میلبنک، جان (۱۳۹۶)، *الاهیات و نظریه اجتماعی: فراسوی عقل سکولار*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست و شهرزاد قانونی، تهران: ترجمان علوم انسانی.
- وولگین، اریک (۱۳۹۹)، *درآمدی بر دانش نوین سیاست*، ترجمه محمد صبوری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- همتی، همایون (۱۳۹۳)، «تاریخچه و تبیین ساختار الاهیات سیاسی و رهایی‌بخش»، *معرفت‌ادیان*، س ۵، ش ۲۰، ۱۲۳-۱۳۸.
- همیلتون، دیوید (۱۳۹۶)، «تاریخ برنامه درسی»، در: *برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها، و چشم‌اندازها*، ترجمه مصطفی شریف.

- Behar, L. and A. Ornstein (1992), "An Overview of Curriculum: The Theory and Practice", *NASSP Bulletin*, vol. 76, no. 547, 32-44.
- Block, Alan A. (2012), "Toward Objectives and Assessment: Means of Control", *Journal of the American Association for the Advancement of Curriculum Studies*, vol. 8, 1-10.
- Block, Alan A. (2004), *Talmud, Curriculum, and The Practical: Joseph Schwab and the Rabbis (Complicated Conversation)*, Peter Lang Inc, International Academic Publishers.
- Blumenfeld-Jones, Donald (2016), "The Violence of Words, Words of Violence: Keeping the Uncomfortable at Bay, A Jewish Perspective", *Journal of Curriculum Theorizing*, vol. 31, 4-12.
- Estep, Jr. James (2012), "Navigating with a Compass: Theological Perspectives", in: *Mapping Out Curriculum in Your Church: Cartography for Christian Pilgrims*, B&H Publishing Group Nashville, Tennessee.
- Ghiloni, Aaron J. (2010), *Theology As Education: John Dewey in Dialogue with Christian Doctrine*, PhD Thesis, School of History, Philosophy, Religion & Classics, The University of Queensland.
- Huebner, D. (1987), "Religious Education: Practicing the Presence of God", *Religious Education*, vol. 82, no. 4, 569-577, Available at: <<https://doi.org/10.1080/13558358.2017.1341210>>.
- Kirylo, J. D. and D. Boyd (2017), *Paulo Freire: His Faith, Spirituality, And Theology*, Springer.
- Kroll, Joe Paul (2019), *The Divine or Human End of History: The Controversy of Hans Blumenberg, Karl Löwith, and Carl Schmitt on Secularization and Modernity*, Tehran: Pegah Rozgar Nou Cultural and Artistic Institute [in Persian].
- Kyser, Joseph A. (2020), *An Intellectual Biography of Dwayne E. Huebner: Biography, Curriculum History, and Understanding Curriculum as Theological*, A Thesis submitted in partial fulfillment

- of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in the Faculty of Graduate and Postdoctoral Studies.
- Leopando, I. (2017), *A Pedagogy of Faith: The Theological Vision of Paulo Freire*, Bloomsbury Publishing.
- Löwith, K. (2011), *Meaning in History: The Theological Implications of the Philosophy of History*, University of Chicago Press [in Persian].
- Mann, John Stone (2010), "A Discipline of Curriculum Theory", in: *Curriculum: Discourse of Theory, Research and Practice of New Conceptual Curriculum*, Isfahan: Jihade Daneshgahi [in Persian].
- Mitrano, B. S. (1979), "Feminist Theology and Curriculum Theory", *Journal of Curriculum Studies*, vol. 11, no. 3, 211-220, Available at: <<https://doi.org/10.1080/0022027790110304>>.
- Morris, Marla (2020), "Currere at the Cross-Roads: The Deeply Theological in the Age of Covid-19", *Journal of the American Association for the Advancement of Curriculum Studies*, vol. 14, no. 1, 1-13.
- Myers, W. R. (2017), "John Dewey, God, and the Religious Education of the American Public", *Theology Today*, vol. 74, no. 2, 157-171, Available at: <<https://doi.org/10.1177/0040573616688732>>.
- Pinar, William F. et al. (1995), *Understanding Curriculum*, New York: Peter Lang.
- Pinar, William F. (2004), *What Is Curriculum Theory*, Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Pinar, William F. (2007), *Intellectual Advancement Through Disciplinarity: Verticality and Horizontality in Curriculum Studies*, Sense Publishers.
- Pinar, William F. (2013), *Curriculum Studies in the United States: Present Circumstances, Intellectual Histories*, Palgrave Macmillan.
- Schubert, W. H. (2013), "Philosophical Inquiry: The Speculative Essay", in: *Forms of Curriculum Inquiry*, Tehran: Samt [in Persian].
- Slattery, George Patrick Jr. (1989), *Toward An Eschatological Curriculum Theory*, LSU Historical Dissertations and Theses.
- Webster, R. S. (2009), "Dewey's Democracy as the Kingdom of God on Earth", *Journal of Philosophy of Education*, vol. 43, no. 4, 615-632 [in Persian], Available at: <<https://doi.org/https://doi.org/10.1111/j.1467-9752.2009.00708.x>>.
- Whitlock, R. U. (2019), "For Us, Today: Understanding Curriculum as Theological Text in the Twenty-first Century", in: *Internationalizing Curriculum Studies Histories, Environments, and Critiques*, Palgrave Macmillan.